

مدرسه غیاثیه قم (۱)

در قسمت شرقی قم - نزدیک میدان کهنه این شهر - سردری باشکوه و دو مناره مرتفع قرار دارد که به ملاحظه سبک سلجوقی آن - ظاهراً در قرن ششم یا هفتم بنا شده است .

بنا بشهرت افواهی ، این سردر و مناره ها باقیمانده از بنای معظم مدرسه بزرگی است که مدرسه غیاثیه نام داشته . این شهرت تا آنجا که میدانیم - در قرن سیزدهم قطعاً وجود داشته است و تاریخ فیض - که در دوره ناصری نوشته شده - نیز از این بنا بعنوان « سردر مدرسه غیاثیه » نام می برد . (۲)

سردر مزبور بدنه‌ای ۷ ، عرض ۴ ، و ارتفاع ۱۲ متر دارای جدار آراسته بگچ بری ، کتیبه کمربندی و پوشش رسمی بندی بوده . در حال حاضر در دولنگه قوسی طاقبند جلو ایوان - آثار گچ بریها باقی است و روی آن اسامی «محمد» و «علی» بطور مکرر بخط بنائی خوانده میشود . لیکن کتیبه کمربندی بنا که از کاشیهای خشتی ۵۰ در ۲۰ سانتیمتر بوده فروریخته است . در هریک از دو جانب سردر دو صفت محراب شکل - یکی تحتانی و

۱- قسمت چهارم از مقاله «مدارس قدیم قم» .

۲- تاریخ قم از ناصر الشریعه . چاپ دوم . ص ۲۱ .

دیگری بالای آن - دیده میشود که پوشش وبغله های آن مزین بگچ بری بوده و نمونه هایی از آن بجای مانده است - روی جرز های طرفین نیز که بنقشه ملات سازی گچ بری شده ، قسمتی باقیست .

مناره های بالای سردر - که روی دو جرز قطور چهارمتری آجری دو طرف سردر بنا گردیده - هر يك بارتفاع ۲۵ متر از سطح زمین ، قطر ۲ متر و بیست سانتیمتر ؛ و جدار آن از پائین تا گلوگاه ۱۹ ردیف نقشه نوری آجری و در گمرگاه آن نوریهای کاشی فیروزه فام کمر بندی ، و در گلوگاه آن کتیبه ایست از کاشی خشتی که بخط ثلث برنگ شجر فی بر زمینه لاجورد ، در هر يك آیه ای از قرآن مجید نوشته شده است . متأسفانه بیشتر این دو کتیبه ریخته ، و فقط تعدادی از خشتهای کاشی در طرف شرق بجای مانده که از عبارات موجود در همان قسمت ، متن هر دو کتیبه معلوم میشود .

روی مناره سمت جنوب آیه شریفه : « الله الذی رفع السموات بغير عمد ترونها ... » - - سورة رعد . آیه ۲ - نوشته شده که فقط چند کلمه مزبور از ابتدای آیه باقی مانده و روی مناره طرف شمال آیه مبارکه : ان الله یمسک السموات والارض ان تزولا ولئن زالتا امسکهما من احد من بعده ... » - - سورة فاطر . آیه ۳۹ - نوشته شده و در حال حاضر فقط عبارت « لئان امسکهما من احد من بعده » دیده میشود . بالای کتیبه نقشه آجر چینی تغییر یافته ؛ و پس از چند ردیف سه ردیف مقرنس آجری - هر يك مرکب از بیست و چهار قطار بصورت کنگره چینی - نمودار است .

سردر دو مناره « مدرسه غیاثیه » از آثار نفیس باستانی است و بجاست که از طرف سازمان حفاظت آثار باستانی نسبت بآن عنایت لازم بعمل آید . و از فروریختن سقف بنا ، و یکی از دو مناره که بواسطه شکست خوردگی در شرف سقوط است ، جلوگیری شود .

تذکر این نکته بجاست که پاره ای ارسفرنامه نویسان اروپائی تصویر این بنا را در کتابهای خود آورده اند که از جمله مادام دیولافوا (۱) و هانری رنه دالمانی - سیاح فرانسوی - (۲) را میتوان نام برد .

۱- سفرنامه . ترجمه فارسی . ص ۱۸۶ . ۲- از خراسان تا بختیاری . ص ۸۴۶ .

در نزدیکی این سر در و مناره‌ها ، مسجد کوچکی قرار دارد که ظاهراً پیش از این متصل بمدرسه مزبور بوده و بتدریج که زمینهای مدرسه تصرف شده ، از بنای باقیمانده بدور افتاده است .

بر دیوار خارجی مسجد سنگ نبشته ای قرار دارد که بر آن ۱۱ بیت بخط نسخ نوشته شده ؛ و مربوط بدوره صفویه است . متن این لوح سنگی را اینجانب پیش از این در جاهای مختلفی نقل کرده ام . لیکن چون در خواندن بعضی ابیات اشتباهاتی رخ داده ، و مقداری از آن نیز قرائت نشده بود ؛ و مخصوصاً از این نظر که در مورد تاریخ آن هم خطائی دست داده بود ، اینک بمناسبت معرفی سردر غیاثیه - بمصداق قد یؤخذ الجار بذنب الجار! - متن صحیح و کامل این سنگ نبشته را نقل مینمایم :

آصف حمد... سپهر (؟) .. لت .. بهیم (۱)

آنکه شد معمور از او این خراب آباد قم
همچو او بر مسند جاه و بزرگی و شرف
هیچکس نشست از اشراف و از امجاد قم
زین نکوکاری که او بنمود دیگر کس نکرد
فکر نیکو راند تا ماند ز او بنیاد قم
بعد خیری کرد چندین بار در راه خدا
ساخت در هر گوشه ای تا بد در استعداد قم
کرد احداث قنات و نهر آبی بهر خیر
ساخت حساری بر سر میدان بی امداد قم
تا رسد فیضش بهر کس قربة الله کرد
وقف بر هر خاص و عام و بنده و آزاد قم

۱- چون سنگ نبشته مورد بحث در این قسمت آسیب دیده است ، از بیشتر کلمات مصرع نخستین جز حروف مقطعی بجای نمانده . و بعید نیست کامل آن قریب باین مضامین باشد . «جم سپهر معدلت آصف قدر دیهیم ملک»

مسجدی ... جمع در میان چهار سوی
 ساخت تا يك يك دعا گویندش از افراد قم
 هر که گردد مانع این آب و غاصب نیز هم
 حاکم و محکوم از زوار و از اعداد قم
 باد روی او زدو آتش لعنت سیاه
 تا بود نام و نشان از آب و خاک و باد قم
 بود شهر قسم زبی آبی چو وادی عدم
 گوئیا زین آب شد بار دگر ایجاد قم
 چون قبول حضرت حق بوده بی شک خیر او
 زین سبب تاریخش آمد آب خیر آباد قم
 (۹۶۳)

در تاریخ جدید یزد نوشته احمد بن حسین بن علی کاتب - که پس از سال
 ۸۶۲ تألیف شده - در شرح حال یکی از بزرگان یزد در قرن هشتم : و میر
 شمس الدین محمد بن رکن الدین الحسینی - در گذشته بسال ۷۳۳ - آمده
 است که : و چند بقاع خیر از رباط و کاروانسرا و حمام و مسجد و مدرسه
 در یزد و ابرقوه و اصفهان و شیراز و کازرون و قم و ... ساخته . و هیچ از این
 عمارات خود ندیده . (۱)

ذکر این نکته در اینجا بی مناسبت نیست که در قرن نهم ، در قسم
 «خافقاه» هم وجود داشته ؛ و کمال الدین عبدالرزاق سمرقندی (۲) در شرح
 جریان فتح قم بوسیله میرزا اسکندر فرزند عمر شیخ - و نواده تیمور - از

۱ - تاریخ جدید یزد . بکوشش ا . افشار . ص ۱۳۱ - ۱۳۰ و نیز

تاریخ یزد جعفر بن محمد جعفری . ص ۸۹ .

۲ - مطلع السعدین و مجمع البحرین . بتصحیح محمد شفیع . چاپ

۱۳۶۳ ق لاهور . جزء اول جلد دوم - ص ۱۴۰ - ۱۳۹ .

خانقاه صفی علی (۱) بیرون دروازه کنگان قم یاد میکنند .
 از خواجه «علی صفی» دوبنای تاریخی در قم باقیمانده است که هر دورا
 در مقاله «گنج بریهای قرن هفتم تا نهم در قم» شناسانده‌ام - «وحید» شماره
 های ۹-۷ سال پنجم - یکی از این دوبنا «بقعه احمد بن قاسم» است مورخ
 ۶۸۰ که ظاهراً ۷۸۰ باشد و حرف عین از بالای کلمه «سبعمأه» افتاده است
 (بقریه عبارت تاریخ مزبور ، و تاریخ بنای دیگر علی صفی ، واتحاد سازنده
 آن با بنا کننده بقعه سید سربخش قم مورخ ۷۷۴ و بقعه مورخ ۷۶۱ باغ گنبد
 سبز) . و دیگری یکی از مقابر باغ گنبد سبز است که بر قبر عم و پسر عم خود
 بنا نموده ، و مورخ ۷۶۱ است . خاندان «علی صفی» که منسوب بجدشخص
 مورد بحث میباشد ، در قرن هشتم و نهم از خاندانهای بزرگ قم بوده ؛ و در
 عراق عجم دارای ریاست و نفوذ فراوان بوده اند . نگارنده افراد میرز و مهم
 این خاندان ، و خدمات و آثار آنانرا در رساله «قم در قرن نهم هجری»
 بتفصیل شناسانده ام .

«خانقاه علی صفی» که سمرقندی یاد میکند ، با احتمال قوی همان بقعه
 بی تاریخ باغ گنبد سبز است - که در مقاله سابق الذکر معرفی شده - این
 بقعه در بیرون دروازه کاشان قم «کنگان» در عبارت مطلع السعدین ظاهراً
 تصحیف کاشان است) - جنب بقعه ای که «علی صفی» برای عم و پسر عم خود
 بنا نموده ، قرار دارد . و محتملاً خود علی صفی پس از وفات ، در همین بقعه
 بخاک سپرده شده است .

۱- سید ظهیرالدین مرعشی در تاریخ طبرستان و رویان و مازندران -
 که بسال ۸۸۱ تألیف نموده است - از این شخص باینصورت یاد میکند :
 «حاکم و سردار قم ، صاحب اعظم ، سپهسالار عراق خواجه علی صفی» - ص ۸۱
 چاپ ۱۳۲۲ بتصحیح عباس شایان - و بطوریکه از کتاب مزبور استفاده می
 شود ، وی در سال ۷۶۱ زنده بوده است .